شکست حزب عدالت و توسعه ترکیه به دنبال زمین‌لرزه

اردوان امیراصلانی

برای مردم ترکیه شوک ناشی از زلزله جای خود را به خشم داده است. با وجود فیلترکردن توییتر که یکی از پرکاربردترین شبکه‌های اجتماعی کشور است، موج انتقادات برای محکوم‌کردن سهل‌انگاری و سوءمدیریت مقامات و مسئولان در جریان زلزله مرگ‌بار اخیر همچنان ادامه دارد. اردوغان تأکید می‌کند که آمادگی در برابر چنین فاجعه‌ای غیرممکن بوده است و به‌این‌ترتیب بار دیگر همانند حوادث مرگ‌بار معدن در سال‌های اخیر، سرنوشت را مقصر تمام فجایع می‌داند. درحالی‌که ترکیه به دلیل نزدیکی گسل آناتولی شمالی کشوری زلزله‌خیز به حساب می‌آید، این سخنان به منزله اعتراف به شکست و بی‌کفایتی است.

در مقام مقایسه، کشور ژاپن به همان اندازه مستعد بلایای طبیعی است؛ اما مدت‌هاست که ژاپن از سیاست مقاوم‌سازی در برابر زلزله‌های شدید پیروی می‌کند و استانداردهای مربوطه در طول زمان با گذر از فجایع انسانی و طبیعی تکمیل شده است. از زلزله ارزینجان در سال ۱۹۳۹ تاکنون، ترکیه ده‌ها زمین‌لرزه به بزرگی ۸.۲ ریشتر را تجربه کرده است. تنها بعد از زلزله ازمیت در سال ۱۹۹۹ با بیش از ۱۷ هزار کشته، استانداردهای مقاوم‌سازی ساختمان‌ها بازنگری شد. درواقع، در آن زمان بتون استفاده‌شده در ساخت‌وساز از مخلوط‌کردن شن و ماسه با آب دریا بدون عملیات نمک‌زدایی تهیه می‌شد؛ بنابراین مواد بر اثر خورندگی شکننده می‌شدند! به دنبال این فاجعه اخذ «مالیات ضد زلزله» رایج شد که درآمدهای حاصل از آن برای ساخت ساختمان‌های مقاوم در برابر زلزله در مناطق پرخطر هزینه می‌شد. این فاجعه همچنین باعث تسریع سقوط دولت بولنت اجویت و رسیدن اردوغان و حزب عدالت و توسعه به قدرت شد. در آن زمان اردوغان به‌عنوان نخست‌وزیر وقت، وعده بازسازی کشور و افتخارآفرینی داد. برای اینکه مردم ترکیه هر روز شاهد تحقق این وعده‌ها باشند، در ۲۰ سال گذشته ساخت‌وساز و توسعه، ساخت پل‌ها، مراکز خرید، فرودگاه‌ها، مساجد و آسمان‌خراش‌ها در دستور کار اردوغان قرار گرفت؛ اما گسترش نامناسب به چه قیمتی؟

مقیاس فاجعه ۶ فوریه ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که در دو دهه تحت حمایت حزب عدالت و توسعه، خویشاوندسالاری و فریب‌کاری برای کسب سود، عمدتا جای منافع عمومی و امنیت را گرفته است. هم مخالفان حکومت و هم مردم ترکیه اختلاس آشکار بیت‌المال و توسعه شرکت‌های بزرگ ساختمانی را که استانداردهای ضد لرزه را رعایت نمی‌کنند و درواقع از مشتریان اردوغان به حساب می‌آیند، محکوم می‌کنند. دولت قانون عفو منطقه‌بندی را در سال ۲۰۱۸ تصویب کرد که به موجب آن هر ملکی که بدون مجوز یا برخلاف استانداردهای ساختمانی یا قوانین منطقه‌بندی ساخته می‌شد، می‌توانست گواهی پایان کار بگیرد تا از تخریب آن جلوگیری شود. بحران انسانی در جنوب آناتولی تا حد زیادی ناشی از فساد و بی‌توجهی بوده است. اردوغان و دولتش در تمام فجایع از مسئولیت‌های خود فرار می‌کنند و به دنبال قربانی هستند و اکنون برای توجیه شکست اقتصادی، مهاجران و پناهندگان سوری را هدف قرار می‌دهند. به دنبال زمین‌لرزه اخیر در حدود ۱۱۳ توسعه‌دهنده، پیمانکار و کارشناس ساختمانی در استانبول و حتی قبرس بازداشت شدند. در حقیقت، مدیریت زلزله نشان‌دهنده شکست حزب عدالت و توسعه پس از ۲۰ سال قدرت است. وعده‌های زیادی از قبیل توسعه، زیرساخت‌های جدید و مسکن داده شد؛ اما معجزه اقتصادی حزب عدالت و توسعه تنها ۱۰ سال به طول انجامید که با عنوان «۱۰ سال باشکوه» نامیده می‌شود و بیش از هر چیز ثمره اصلاحات انجام‌شده در همان آغاز دهه ۲۰۰۰ یعنی درست قبل از به قدرت رسیدن اردوغان از سوی وزیر سابق اقتصاد در دولت بولنت اجویت بود؛ بنابراین اردوغان و حزب عدالت و توسعه به جای نقش سازندگی بلندمدت فقط نقش مدیریتی داشتند. از سال ۲۰۱۸ ترکیه به دلیل سیاست مالی ناسازگار در یک بحران اقتصادی بی‌سابقه با تورم بیش از ۸۰ درصد فرو رفته است. قدرت بیش از حد ریاست‌جمهوری از زمان کودتای نافرجام ۲۰۱۶ و کنارگذاشتن ارتش از مشارکت در تصمیم‌گیری، تا حد زیادی سبب کندی سرعت کمک‌رسانی به مناطق آسیب‌دیده شد. صدور مجوزهای مورد نیاز سازمان ملل از طرف سازمان مدیریت بلایای طبیعی ترکیه و ارسال کمک‌های پزشکی بین‌المللی به مدت دو روز در انتظار موافقت ریاست‌جمهوری ترکیه به تعویق افتاد. دو روز نیز برای بازکردن دو مسیر ورودی در مرز سوریه لازم بود و شخص اردوغان نیز همین مدت‌زمان را برای رسیدگی به مردمی که از فقدان دولت احساس رهاشدگی می‌کردند، هدر داد. به نظر می‌رسد که امروز جاه‌طلبی‌های اردوغان در تضاد کامل با واقعیت قدرت او باشد. او قادر به اتخاذ سریع تصمیمات لازم برای نجات مردمش نیست. اکنون رؤیای او برای عظمت ترکیه که توجیه‌کننده فعالیت‌های نظامی تهاجمی در سال‌های اخیر است، در زیر ویرانه‌ها مدفون شده و به یک تحقیر دیگر ختم می‌شود تا جایی که ترکیه باید برای جلوگیری از فاجعه مشابه سوریه به کمک‌های بین‌المللی اتکا کند.

تلفات زلزله ۶ فوریه ۲۰۲۳ در ترکیه بالغ بر ۵۰ هزار نفر است و این نه‌تنها بدترین بلای طبیعی کشور در یک قرن اخیر به حساب می‌آید؛ بلکه از سوی دیگر یک نماد هولناک برای صدمین سالگرد تأسیس جمهوری در ترکیه به حساب می‌آید که عملا جز سایه‌ای از آن باقی نمانده است. یادآور می‌شود که حادثه سال ۱۹۹۹ منجر به سقوط دولت در آن زمان شد. اردوغان در چهاردهم ماه می از آرای مردم خسته که کاسه صبرشان از اقتصاد ویران، پروژه‌های سیاسی شکست‌خورده و بی‌کفایتی او لبریز شده، مطلع خواهد شد.

ادامه از صفحه اول

آزمون دولت مقتدر

چنان‌که آقای رئیسی اخیرا تأکید کردند: «گذشت آن دوره که دوگانگی در تعریف دولت و سایر نهادها بود». (۱۲/۱۴) یا سخنگوی دولت که گفت: «ما هیچ‌گاه نمی‌گوییم که اوضاع درست نمی‌شود و نمی‌توانیم و نمی‌گذارند که ما کار کنیم». (۱۲/۱۳) این یکدستی طبعا طبق نظریات هابز از بعد اقتصادی باید سبب «بهبود خدمات عمومی و امکانات و شکوفایی اقتصادی» شود. گذشت حدود یک‌سال و نیم از عمر این دولت اما خلاف این نظر را ثابت کرد. هرچند دولت و حامیان آن اصرار دارند در این مدت دستاوردهای بزرگی نصیب مردم و کشور شده است و آقای رئیسی در همین سخنرانی می‌گوید: «امروز کشورهای بسیاری برای سرمایه‌گذاری در ایران رغبت دارند و زمینه‌های رشد بالای اقتصادی در کشور قابل‌مشاهده است... وعده ایجاد سالانه یک‌میلیون شغل محقق شد» (رسانه‌ها، ۱۲/۱۳) یا در سخنانی دیگر بر کاهش نرخ بی‌کاری (بی‌کاری از ۸.۹ به ۸.۲ درصد کاهش یافته) و کاهش تورم (کاهش تورم از ۶۰ به ۴۰ درصد) و... تأکید کرده‌اند،اما واقعیت به نظر چنین نیست و مشاهدات عینی و نظرات کارشناسان مستقل چنین ادعاهایی را ثابت نمی‌کند.دلایل این ناکامی‌ها هم البته مشخص است؛ فقدان الزاماتی مانند برنامه و راهبرد مشخص اقتصادی، سیاست خارجی متعادل، مجریانی متخصص و شایسته از یک‌سو و از سوی دیگر ضعف جامعه و نهادهای مدنی و ناممکن‌بودن فعالیت آزادانه و قانونمند آنها. بدون این الزامات در کنار و در تراز هم هیچ تحول عمیقی در روند رشد و توسعه کشور واقع نمی‌شود.نویسندگان کتاب «راه باریک آزادی» در نقد نظریه دولت هابز می‌نویسند: «مشکل تز هابز این اندیشه است که «لویاتان» چهره‌ای واحد دارد. حال آنکه در واقعیت، حکومت موجودی دو چهره به‌شمار می‌رود. یک چهره شبیه همان چیزی است که هابز تصور می‌کند: لویاتان جلوی «جنگ» را می‌گیرد، از اتباع و زیردستانش حمایت می‌کند، به حل‌وفصل عادلانه مرافعات می‌پردازد و خدمات عمومی و امکانات و فرصت‌های اقتصادی فراهم می‌سازد. چهره دیگر لویاتان اما هراس‌انگیز است: حکومتی است که شهروندانش را به سکوت وامی‌دارد، نسبت به خواسته‌های آنان بی‌اعتناست، بر آنها سیطره می‌یابد و حاصل دسترنج‌شان را می‌رباید و...».این دو محقق برجسته می‌نویسند: «دالان باریک آزادی فشرده‌شده میان ترس و سرکوبی که دولت‌ها ایجاد می‌کنند و خشونت و بی‌قانونی ناشی از فقدان آنها قرار دارد. در این دالان است که حکومت و جامعه یکدیگر را متوازن می‌سازند. این توازن محصول نه یک لحظه انقلابی بلکه میوه مبارزه دائمی و هرروزه میان این دو به حساب می‌آید» (همان). به اعتقاد آنان: «ما نیاز به حکومتی داریم که ظرفیت اجرای قانون، مهار خشونت، حل‌وفصل مرافعات و ارائه خدمات عمومی را داشته باشد و درعین‌حال توسط جامعه‌ای جسور، مطالبه‌گر و کاملا سازمان‌یافته لجام زده شود». (راه باریک آزادی) اگر برای متوازن‌شدن جامعه و دولت در کشورمان راه درازی در پیش داریم اما برای نشان‌دادن اقتدار دولت حل گره برجام یک ضرورت است؛ پرونده‌ای که رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را این روزها بار دیگر به کشورمان کشاند، پرونده‌ای که خسارت‌های عظیم به اقتصاد و زندگی مردم وارد کرده و بدون حل آن تغییر و تحول مثبتی در مؤلفه‌های اقتصادی کشور (رشد اقتصادی، تورم و بی‌کاری) حاصل نمی‌شود. بختکی که سبب شده حدود نیمی از درآمد ملی کشورمان از زمان آغاز اولین تحریم‌های جهانی (۲۰۱۰) بخار شود و درآمد سرانه هر ایرانی به کمتر از نیمی از میانگین سرانه جهانی (۵۳۰۰ دلار) سقوط کند و کشورمان جزء ۲۰ کشور فقیر و ۹ کشور دارای بالاترین تورم‌ها قرار گیرد و... . آیا چنین اراده و توانی در دولت وجود دارد تا حداقل شاهد وجود نوع هابزی تعریف دولت باشیم.

دلار تا کجا می‌رود؟

ادامه از صفحه اول

یکی دیگر از نظریات قدیمی نرخ ارز، نظریه برابری قدرت خرید (PPP) است که در آن استدلال می‌شود نرخ ارز متناسب با تغییرات قیمتی در کشورها تغییر می‌کند و با فرض ثبات قیمت‌ها در سایر کشورها، تغییرات قیمت در کشور مدنظر، به تغییرات متناسب در نرخ ارز می‌انجامد. در واقع تورم ۳۰درصدی در کشور مدنظر، با فرض ثبات قیمت سایر کشورها به افزایش ۳۰درصدی نرخ ارز می‌انجامد. این نظریه مسیر را از قیمت‌ها به نرخ ارز ترسیم می‌کند و در واقع علت را قیمت و نرخ ارز را معلول می‌داند. تجربه یک دهه اخیر نشان داده که در اقتصاد ایران ابتدا نرخ ارز افزایش یافته و بعد قیمت‌ها به تناسب آن رشد یافته‌اند که این تجربه کاربرد این نظریه را در شرایط فعلی زیر سؤال می‌برد. این نظریه اگرچه در شرایط نرمال و معمول قابل استفاده بوده؛ اما جواب‌گوی شرایط دهه اخیر اقتصاد ایران نیست. البته برخی استدلال می‌کنند که چون در سال‌های قبل نگذاشته‌ایم نرخ ارز متناسب با قیمت‌ها تغییر کند، نرخ ارز مثل فنر فشرده شده و یک‌دفعه در رفته است. این استدلال چندان مورد قبول نیست؛ چراکه نرخ ارز حاصل تعامل نیروهای مختلف است و نمی‌توان با یک معیار قیمت و تورم، نرخ ارز را پیش‌بینی کرد، توضیح اینکه در سال‌های قبل از جهش‌های دلاری، اگرچه تورم وجود داشته؛ اما در همان سال‌ها مازاد تجاری هم وجود داشته (که کاهش قیمت ارز را موجب می‌شود) که حاصل تعامل این دو نیرو آنچه بوده، در سال‌های قبل از جهش‌ها رخ داده است. اما یکی از مؤخرترین نظریات که برای شرایط فعلی نیز بسیار کاربرد دارد، رهیافت پولی نرخ ارز است. نظریه پولی نرخ ارز در شکل عمومی آن بیان می‌دارد که نرخ ارز متناسب با عرضه پول تغییر می‌کند؛ اما شکل خاص نیز بیان می‌دارد که نرخ ارز متناسب با انتظارات از تغییرات نرخ ارز تغییر می‌کند. درواقع اگر ΔER را تغییرات نرخ ارز بنامیم و انتظارات از تغییرات نرخ ارز را با $E(\Delta ER)$ نمایش دهیم طبق این نظریه $\Delta ER=E(\Delta ER)$؛ یعنی تغییرات نرخ ارز برابر است با انتظارات از تغییرات نرخ ارز. این رابطه اگرچه در ظاهر بسیار ساده می‌نماید؛ اما معنا و مفهوم بسیاری در آن نهفته است. این رابطه انتظارات را در سمت راست به‌عنوان متغیر مستقل آورده و تغییرات نرخ ارز را به‌عنوان متغیر وابسته در سمت چپ که تحلیل علت-معلولی آن این‌گونه می‌شود که تغیرات نرخ ارز به اندازه‌ای تحقق می‌یابد که فعالان اقتصادی انتظار آن را دارند. به طور دقیق‌تر اگر فعالان اقتصادی انتظار این را داشته باشند که نرخ ارز در طول یک سال آتی دو برابر می‌شود، ایشان در معاملات خود این را مبنا قرار می‌دهند و عملا آنچه اتفاق می‌افتد، افزایش دوبرابری قیمت ارز است. از منظری دیگر وقتی همه در معاملات قیمت دوبرابری دلار را مبنا قرار می‌دهند، عملا آنچه اتفاق افتاده، معاملاتی با رشد صددرصد قیمت دلار است. کاربست نظریه انتظارات در اقتصاد کلان و به‌ویژه مالیه بین‌الملل به این معناست که چندان اهمیت ندارد که دولت چه سیاستی اجرا می‌کند؛ بلکه این اهمیت دارد که فعالان اقتصادی چه برداشتی از سیاست دولت و آینده اقتصاد دارند. سیاست‌های پیش‌بینی‌شده و پیش‌بینی‌نشده در ادبیات انتظارات عقلایی دقیقا به همین موضوع اشاره دارد؛ بنابراین اگر به دلایل اقتصادی یا غیراقتصادی، انتظارات بدبینانه راجع به آینده اقتصاد و نرخ ارز وجود داشته باشد، نرخ ارز در نهایت به نرخی میل می‌کند که در ذهن فعالان اقتصادی است. سیاست‌های مقابله‌ای دولت در مواجهه با هر موج افزایشی برای مدتی موج را کنترل کرده و ثبات نسبی خواهد بخشید؛ اما بعد از یک دوره نه‌چندان طولانی موج جدید افزایش شروع خواهد شد و این تا زمانی که در ذهن فعالان اقتصادی چشم‌انداز روشن و خوش‌بینانه‌ای درخصوص اقتصاد و نرخ ارز به وجود نیاید، ادامه خواهد یافت. پس در پاسخ به این سؤال که دلار تا کجا می‌رود؟ باید گفت، تا زمانی که اقتصاد سیاسی کشور بر همین مسیر فعلی قدم برداشته و مسئله تحریم‌ها حل نشده و تعاملات اقتصادی و سیاسی بین‌المللی به روند عادی برنگردد، رفتار نرخ ارز همان خواهد بود که در یک سال اخیر رخ داده است: یک موج افزایشی، کمی کاهش و ثبات برای دوره‌ای کوتاه و دوباره موج افزایشی و... . این شرایط مختص ایران نیست و تجربه‌های جهانی نیز چنین رفتاری را تأیید می‌کند. در طول دهه ۱۹۶۰ که اقتصاد آمریکا درگیر برخی مشکلات اقتصادی بود و انتظارات منفی راجع به دلار و نظام برتون وودز وجود داشت، بی‌ثباتی شدیدی دلار را فراگرفته بود و چون در آن زمان نظام ارزی ثابت بود و مشابه زمان حال امکان تغییر نرخ‌های ارز وجود نداشت، بی‌ثباتی دلار خود را در تبدیل دلار به طلا نشان می‌داد. نگاه منفی به ارزش دلار و احتمال کاهش رسمی ارزش دلار یا فروپاشی نظام برتون وودز، به‌ویژه در کشورهای اروپایی باعث شد کشورهای اروپایی ذخایر دلاری خود را به طلا تبدیل کنند و در طول نزدیک به یک دهه بیش از نصف ذخایر طلای آمریکا تحلیل رفته و از کشور خارج شد؛ بنابراین وقتی بی‌ثباتی بر پولی حاکم می‌شود تفاوتی نمی‌کند که آن پول مربوط به کدام کشور با چه قدرت اقتصادی است؛ بلکه به‌راحتی و در طول مدت‌زمان کوتاهی مقدار درخورتوجهی از ارزش خود را از دست می‌دهد. به شرط تداوم شرایط فعلی نمی‌توان هیچ سقفی برای رشد نرخ ارز قائل شد؛ زیرا در یک شرایط نرمال اگرچه انتظارات می‌تواند براساس سیاست‌های پولی یا پیش‌بینی‌ها از صادرات و واردات شکل گیرد؛ اما در شرایط غیرنرمال، شبیه آنچه اقتصاد ایران گرفتار آن است و دائم شوک‌های سیاسی بر آن ضربه وارد می‌کند، انتظارات می‌تواند بدون توجه خاصی به متغیرهای اقتصادی و صرفا متناسب با انتظارات سیاسی و تجربه‌های تاریخی شکل گیرد. در این شرایط یک بدبینی نسبت به آینده اقتصاد انتظارات افزایشی نرخ ارز را موجب شده که نتیجه آن تجربه افزایش نرخ ارز است. تجربه دهه اخیر نشان داده که در سال‌های تحریمی هر چند ماه یک انتظارت منفی شکل گرفته و دلار جهش درخورتوجهی می‌یابد، مجدد بعد از چند ماه ثبات نسبی مجدد یک موج افزایشی بازار را فراگرفته و جهش مجدد تجربه می‌شود. پس مادامی که آینده اقتصاد سیاسی کشور مبهم بوده و سایه سنگین تحریم‌ها وجود دارد، باید هر چند ماه منتظر یک جهش ارزی بود.

*اقتصاددان و دانشیار اقتصاد
دانشگاه علامه طباطبایی

سفر گروسی به تهران و افق پیش‌رو

ادامه از صفحه اول

سؤال این است که این اختلاف‌نظرها و نگرانی‌ها آیا مانع از اتخاذ یک تصمیم راهبردی برای حل مسئله خواهد بود یا خیر. درصورتی‌که پاسخ به این سؤال مثبت باشد، ممکن است با خاتمه نشست جاری شورای حکام به سر خانه اول بازگردیم و انعکاس آن را در مذاکرات فنی ببینیم. در چنین صورتی، مذاکرات فنی یا به تعویق خواهد افتاد یا رسیدن به توافق در آن دشوار خواهد شد؛ بنابراین نظر به اهمیت تعیین‌کننده جزئیات از یک سو و تکذیبیه آقای کمالوندی از سوی دیگر می‌توان گفت که با وجود بیانیه مثبت تهران و ابراز خوش‌بینی گروسی بلاتکلیفی همچنان تا اطلاع ثانوی ادامه خواهد داشت. می‌توان درک کرد که در شرایط بی‌سابقه‌ای که سیاست داخلی و خارجی ایران با آن مواجه است، دعوت از گروسی برای سفر به تهران و ملاقات با رئیس‌جمهور یک اقدام روابط‌عمومی شایسته و مناسب بوده و تأثیر مثبتی نیز تاکنون در داخل و خارج داشته است؛ اما این تأثیرات مثبت تنها در صورتی قابل دوام خواهد بود که اقدامات عملی متناسبی نیز بر این سفر مترتب شود تا نظرات کسانی را که مدعی تلاش ایران برای وقت‌خریدن است، خنثی کند. در غیاب اقدامات عملی، روند سوء پیشین با شدت بیشتری ادامه خواهد یافت. از طرفی، باید توجه داشت که آژانس و شورای حکام مشکل اصلی ایران نیستند. ارجاع‌دادن یا ندادن پرونده ایران به شورای امنیت برخلاف اواخر ۱۳۸۴ امر مهم و تعیین‌کننده‌ای نیست؛ چراکه موضوع هسته‌ای ایران همچنان در دستور کار شورای امنیت قرار دارد. و ارجاع پرونده به شورای امنیت تنها اثرات تشدیدکننده خواهد داشت و می‌تواند به رسیدن به اجماع بیشتری در سازمان ملل علیه ایران کمک کند. بدون چنین ارجاعی نیز انگلیس، فرانسه و آلمان همچنان امکان توسل به مکانیسم ماشه یا اسنپ‌بک برای احیای قطع‌نامه‌های پیشین سازمان ملل و تکمیل روند امنیتی‌سازی ایران را خواهند داشت.نکته مهم در این زمینه این است که ۱۸ اکتبر سال جاری سررسید بند غروب بعدی در برجام است که برداشتن محدودیت‌های موشکی علیه ایران را مقرر کرده است. اگر برجام تا آن تاریخ احیا نشود، بسیار بعید است که غرب اجازه لغو این تحریم‌ها را از طریق عدم توسل به مکانیسم ماشه بدهد. به عبارت دیگر، ایران یک فرصت هفت‌ماهه برای تعیین تکلیف مسائل برجامی و نیز مسائل با آژانس دارد. با این حال، دو نظر بدبینانه‌تر نیز وجود دارد: اول اینکه ممکن است غرب با توجه به تحولات چندماهه اخیر و برداشتی که درباره شرایط عمومی کشور در مقطع کنونی دارد، مطالباتی فراتر از برجام و مسائل هسته‌ای، ازجمله درمورد اوکراین، نیز داشته باشد و به‌راحتی اجازه لغو تحریم‌های موشکی در اکتبر را ندهد. دوم اینکه با توجه به بند غروب بعدی که مربوط به تحریم هسته‌ای و الغای قطع‌نامه ۲۲۳۱ در سال ۲۰۲۵ و خروج ایران از دستور کار شورای امنیت است، ممکن است اساسا غرب احیای برجام را در این مقطع زمانی به سود خود نداند. این امر ضمن اینکه درایت و هوشمندی و مآل‌بینی مذاکره‌کنندگان ایرانی برجام را بار دیگر نشان می‌دهد، ممکن است بیش‌ازپیش راه‌حلی در قالب توافق موقت و کم در برابر کم را برجسته کند.

جدول ۴۴۵۵ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- تازه کار- بخش انتهایی پرچم گل- مجموعه شعری از زندیاد مهرداد اوستا۲- مادر لر- نانوا- تابلویی زیبا اثر هنرمندانه استاد محمود فرشچیان۳- درشت‌ترین برلیان در میان گوهرهای سلطنتی ایران۴- گذرگاه سیل- مدافع موکل- وب‌نویس۵- خواندن قرآن با قرائت درست و آهنگ خوب- از مرکبات- صوت شگفتی۶- عدد ماه- برملاکردن- آگهی۷- انجام کاری بیش از یکبار- هدف- سمت راست۸- دقت زیاد در جزئیات امری- زیبا و دلپسند۹- اراده و خواست خداوند- مادربزرگ- دستبند زینتی زنانه۱۰- نجس- از آثار مشهور گوته آلمانی- همسر مرد۱۱- من و شما- از واجبات نماز- نویسنده آلمانی رمان گروه محکومین۱۲- شیپور گوش میانی- آتشدان- در کبد تولید می‌شود۱۳- فیلمی به کارگردانی و بازی مارلون براندو۱۴- از شهرهای مهم اسپانیا- پاره آتش- گفت‌وگوی خودمانی۱۵- هیجان‌انگیز- مرغ سلیمان- از نام‌های خداوند.

عمودی:

۱- همیشه- ساز و برگ زین اسب - پشت سر امام جماعت نماز می‌گزارد۲- نوعی موشک هدایت‌شونده زمین به زمین- آشنا- از دل پرسوز برآید۳- فرمانده- خواب خوش- آرامش‌یافتن۴- مداخله‌کردن- جلگه پهناور در نواحی نیمه خشک- بین ساعد و بازو۵- دارای اخلاق و رفتار خشک- فلانی- قطع عملیات جنگی۶- نام کوچک هیتلر- از ظروف آشپزخانه- جمله قرآنی۷- تخم کتان- سال ۳۶۵ روزه- دوقلو۸- منطقه خوش آب و هوای تابستانی- پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌ها۹- کتاب ارزنده شیخ صدوق در حدیث- گوشه‌ای در دستگاه ماهور- بزرگوار۱۰- محله و برزن- فیلمی ماندگار از زنده‌یاد علی حاتمی- بزرگداشت۱۱- چشمه- قدرت و توان- چین و چروک پوست۱۲- پیغمبر- برچسب- میوه عرب۱۳- مشهورترین آمیزه موسیقی و نمایش در تئاتر- ایمنی و آرامش- مهاجرت دسته‌جمعی۱۴- پیشوند فعل مضارع- کیسه پارچه‌ای برای حمل بار- تماشای یک مسابقه ورزشی را برای بینندگان تلویزیونی جذاب‌تر می‌کند۱۵- خانه دوم کارمند- آویخته- رفیق.

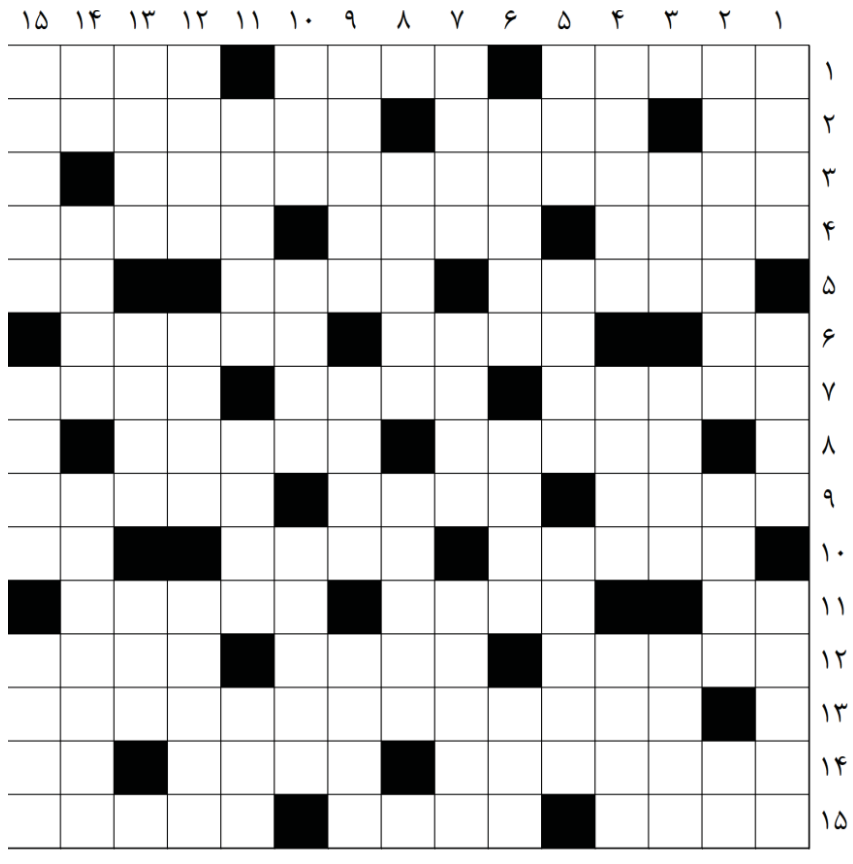

حل سودوکو سخت

۴	۳	۱	۹	۶	۷	۸	۵	۲
۲	۵	۶	۸	۱	۴	۷	۳	۹
۹	۷	۸	۵	۲	۳	۴	۱	۶
۵	۸	۷	۱	۳	۶	۹	۲	۴
۳	۲	۴	۷	۹	۸	۱	۶	۵
۶	۱	۹	۲	۴	۵	۳	۷	۸
۷	۹	۵	۳	۸	۲	۶	۴	۱
۱	۴	۳	۶	۵	۹	۲	۸	۷
۸	۶	۲	۴	۷	۱	۵	۹	۳

حل سودوکو ۳۴۵۰

۷	۱	۲	۴	۵	۹	۸	۳	۶
۴	۵	۸	۶	۱	۳	۹	۷	۲
۹	۳	۶	۲	۷	۸	۴	۵	۱
۳	۲	۴	۷	۶	۵	۱	۸	۹
۸	۶	۱	۳	۹	۴	۵	۲	۷
۵	۷	۹	۸	۲	۱	۶	۴	۳
۱	۸	۳	۹	۴	۲	۷	۶	۵
۶	۴	۵	۱	۳	۷	۲	۹	۸
۲	۹	۷	۵	۸	۶	۳	۱	۴

حل جدول ۴۴۵۴

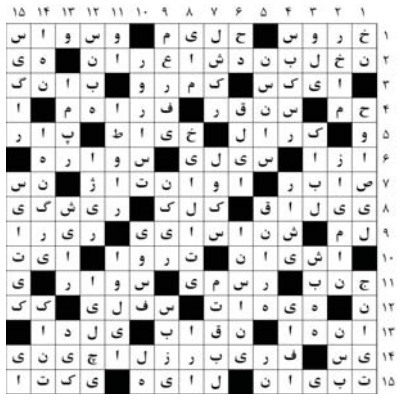

سودوکو سخت ۳۴۵۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۵	۹		۳	۴			۶	۲
					۷	۴		
	۷		۶		۸		۹	
۱							۷	
		۹				۵		
	۶							۱
	۱		۵		۳		۴	
		۳	۸					
۸	۵			۶	۹		۳	۷

سودوکو ساده ۳۴۵۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۳		۶			۷			۸
	۲							۴
	۵				۱	۷		
			۸		۶		۳	
۸	۳						۵	۹
	۶		۷		۵			
		۳	۴				۷	
۶							۴	
۱			۶			۲		۳